



پرتاب موشک سایوز به فضا برای استقرار ۳ فضا نور در ایستگاه بین المللی فضاپی، عکس از کینی ایمیج



عکس راه یافته به فینال عکاسی حیات وحش، عکس از تلگراف



رعد و برق در شهر سانفرانسیسکو آمریکا - عکس از گاردین

دنیایم را به تصویر

در محضر بزرگان

چرا این قدر قسم می‌خوریم؟!

شهید مطهری درباره علت این که مردم خیلی زیاد قسم و سوگند می‌خورند، گفته‌اند: «وقتی که انسان خودش بی مایه است و می‌داند که دیگران به حرفش اعتماد ندارند، دائما «قسم» می‌خورد. ما روایات زیادی داریم که «قسم راست» هم جز در مواقع ضرورت نباید به کار رود. اگر انسان خودش یک شخصیت اخلاقی داشته باشد، اگر خودش به سخن خودش اعتماد داشته باشد، احتیاجی به قسم نیست. ولی آدم‌های حقیر، پست و کم وزن هستند که پُر سوگند می‌خورند.»

برگرفته از کتاب «اشنایی با قرآن»

فتونکته



غلط ننویسیم

عُمران یا عُمران؟

این دو کلمه را نباید به جای هم به کار برد. کلمه «عُمران» به معنای «آباد کردن» و «آبادانی» است که به ضم اول تلفظ می‌شود و نه به کسر. اما واژه «عمران» به کسر اول و سکون دوم نام پدر حضرت موسی (ع) سومین پیامبر صاحب شریعت است و نیز نام یکی از سوره‌های قرآن مجید «آل عمران» است که به معنای «فرزندان عمران» است.

برگرفته از کتاب «غلط ننویسیم» اثر ابوالحسن نجفی

نوستالژی



یادبود

کارنامه‌زین

دکتر عبدالحسین زرین کوب بهترین معرف و نماینده نهضت نوین فرهنگی ایران بود که با نگاهی منتقدانه و فرهنگی و هنری ایران نموده و فکر زین همتای پارسی را از دسترس ویرانی نجات بخشیده است. ایشان در زمینه‌های ادب ایران، تاریخ و سیر عقاید، مهم ترین آثار خود را خلق کرده است. این آثار تصویر و مفهوم را که هم اینک به گذشته می‌نگریست و از نگاه سنت در پدیده‌های امروزی نظر می‌کرد. غرب را با تدبیر در بنیادهای فکری غربیان شناخته و آنگاه تلفیقی نیک از روش‌ها و معرفت مغرب زمین و مطروف فرهنگ و ادب ایران ارائه کرده است. استاد پس از عمری تلاش علمی در ۲۴ شهریور ۱۳۷۸ در سن ۷۶ سالگی در گذشت. منبع: کارنامه‌زرین، علی‌دهباشی

اندک صبر

حرف‌های ساده

دوستت دارم و چقدر توضیح دادن حرف‌های ساده سخت است ...!



دور دنیا

وضعیت اسرار آمیز چشم‌های خانم معلم!



آدیتی سنترال/ «ساتالی آدلر» معلم استرالیایی، ۱۳ سال است که از یک عارضه عجیب چشمی رنج می‌برد. او هر از چندی به مدت سه روز نمی‌تواند چشماش را باز کند و در تمام این سه روز نابینا می‌شود اما به محض این که وارد روز چهارم می‌شود، دوباره چشماش به حالت عادی برمی‌گردد! این بیماری عجیب ۱۲ سال است که آرامش او را گرفته و پزشکان هیچ دلیلی برای این رفتار عجیب در سیستم عصبی او پیدا نکرده‌اند!

رژیم عجیب ۶۰ ساله پیرزن هندی!



آدیتی سنترال/ «سارا سواتی» ۷۵ ساله هندی، ۶۰ سال است که رژیم غذایی عجیبی را دنبال می‌کند و هیچ مشکل گوارشی ندارد! او در تمام این ۶۰ سال غذا نخورده است و فقط با آب و چای و هفته‌ای یک موز زندگی می‌کند! زمانی که ۱۵ سال داشت و اولین فرزندش را به دنیا آورد، دچار نوعی عفونت شدید معده شد و نمی‌توانست غذای جامد بخورد. او از همان زمان این رژیم غذایی عجیب را اتخاذ کرد و تا کنون به آن پای بند بوده است.

زندگی کم خرج کم‌دین بی‌خانمان ژاپنی!



آدیتی سنترال/ «کوتانی مکتو» کم‌دین بی‌خانمان ژاپنی ادعا می‌کند که با روزی ۴۵ سنت (حدود ۱۸۰۰ تومان)، زندگی شاد و خوشبختی دارد! چهار سال پیش او و یکی از دوستانش به توکیو که گران‌ترین شهر ژاپن است مهاجرت کردند. آن‌ها خانه‌ای را در پایین‌ترین قسمت شهر به مبلغ ماهیانه ۴۰۰ دلار کرایه کردند و برای این که هزینه این اجاره را پرداخت کنند مجبور بودند روزها و شب‌ها کار کنند. یک سال بعد این کم‌دین تصمیم گرفت تا بی‌خانمان شود و هزینه زندگی را روزانه ۴۵ سنت تخمین زد! او حالا سه سال است که هر روز صبح در خیابان‌های شهر کم‌دی برگزار می‌کند و به محض این که ۴۵ سنت را دریافت می‌کند، کار را تعطیل می‌کند و ادعا می‌کند که بسیار شاد و خوشبخت است!

داستانک

تاثیر شگفت انگیز صدقه!

پسرک روی چمن‌ها دراز کشید. از صبح کسی گلی از او نخریده بود. نگاهی به صندوق کنارش انداخت که روی آن نوشته بود «صدقه، روزی را زیاد می‌کند» اما توی جیب هایش حتی یک ریال هم نبود. صدایی او را به خود آورد. صدای دختر کوچکی بود: -آقا، برای تولد مادرم به شاخه گل می‌خوام، پول ندارم! پسرک نگاهی به صندوق انداخت و شاخه گلی را به طرف دخترک گرفت. دقایقی گذشت. خودروی آخرین مدلی کنار پایش ترمز کرد. -آهای پسر! بیا این جا، همه گل‌ها تو می‌خرم.

برگرفته از سایت داستانک



این‌کیه؟

پرسپولیسی‌ها هم درست حدس‌زدن!



خودمونی

میوه زندگی را گاز بز نیم

محمود دلاوری خبرنگار تلویزیون که بیشتر ما چهره اش را در برنامه «صرفاً جهت اطلاع» شناختیم و به یاد داریم کتابی دارد به نام «۹۷۶ روز در پس کوچه‌های اروپا» که ماجرای مأموریت خبری او به اروپاست. کتاب دنیای جالبی دارد و با نگاه یک خبرنگار تیزبین ایرانی تفاوت‌های جامعه ما و اروپا را بررسی کرده است. دلاوری در این کتاب خاطره جالبی از سفرش به ایتالیا نقل می‌کند با این مضمون که در یکی از شهرهای این کشور از کارمند هتل می‌پرسد که چگونه می‌توان به ونیز رفت؟ کارمند اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و می‌گوید به ونیز نرفته! از مدیر طرف جویا می‌شود او هم می‌گوید ونیز را ندیده! دلاوری با تعجب می‌پرسد مگر می‌شود که در ایتالیا باشی و ونیز را ندیده باشی! نتیجه‌گیری بعدی دلاوری جالب است: توریست‌ها را دیده‌اید که برای سفری مثلاً ۱۵ روزه به ایران می‌آیند در همان ۱۵ روز جاهایی را می‌بینند که ما در ۱۵ سال ندیده‌ایم؟ ما فکر می‌کنیم همیشه که در ایران هستیم و همیشه هم که وقت هست پس عجله‌ای برای کشف تجربه‌های تازه نیست! برای همین ممکن است بسیاری از جاهای دیدنی گوشه و کنار شهر و کشورمان را ندیده باشیم اما وقتی در سفر هستیم و می‌دانیم فرصت کم است و شاید تکرار نشود سعی می‌کنیم همه اتفاقات را تجربه کنیم. القصه زندگی هم یک نوع سفر است، مادامی که فکر کنیم فرصت داریم و همه چیز در دسترس ما باقی می‌ماند تا ما تجربه کنیم دست‌روی‌دست می‌گذاریم و کلی کتاب، کلاس، مهارت، فیلم، سفر، ایوم موسیقی و تجربه ناب روی دست مان می‌ماند که ولع و عجله‌ای برای مزه کردن شان نداریم؛ در حالی که زمان پایان سفر را نمی‌دانیم!

سیدمصطفی صابری



دی‌روزنامه

ادای ادا بازها

مسابقه ادا بازی خندوانه هم تمام شد و برندگان هم مشخص شدند و خیال ما هم راحت شد و می‌توانیم شب‌ها زودتر بخوابیم. این مسابقه علاوه بر این که سرگرم‌کننده بود و یکی دوتا اطلاعات عمومی از شما یاد گرفتیم، از نظر روان‌شناسی هم خیلی آموزنده بود. حال‌نه‌آن قدر که از پس فردا باز کلاس‌های ادا بازی در سطح شهر و کشور راه بیفتد و یک عده با این اداها پول پارو کنند، ولی در کل فهمیدیم این بازی برای شناخت افراد خیلی موثر است. مثلاً تا قبل از شروع این مسابقه فکر می‌کردیم فلان آدم معروف چقدر سنگین و رنگین و چیزفهم و متشخص است. ولی بعد از مسابقه دادش در این برنامه، فهمیدیم که علاوه بر لوس و بچه‌ننه بودن، چقدر هم پررو و خنک است و اعتماد به نفسش فلک را سقف می‌شکافد! یا خیال می‌کردیم فلان بازیگر که نقش‌های عصبی بازی می‌کند، واقعا نقش بازی می‌کند. ولی بعد از این مسابقه متوجه شدیم نه، انگار واقعا خودش اعصاب ندارد و هم گروهی‌اش و تیم‌رقیب‌شانش آوردن زنده از مسابقه بیرون رفتند! همچنین تصور داشتیم فلان خواننده چقدر خودش را می‌گیرد، ولی همان ثابت شد نه تنها این طور آدمی نیست که حتی خیلی هم خاکی و باحال است. به هر حال بد نیست حالا که این مسابقه امتحانش را پس داده و دستانمان آمده چقدر در شناخت آدم‌ها موثر است، از آن در تمام مراحل زندگی به‌نحو احسن استفاده کنیم. مثلاً ترم‌اولی‌هایی که چند روز دیگر پیشان به دانشگاه باز می‌شود، بد نیست برای شناخت هم‌کلاسی‌هایشان همان روز اول قبل از ورود استاد یک ادا بازی اجرا کنند تا متوجه بشوند کی اهل جزوه دادن هست و چه کسی نیست تا انرژی بی‌خودی صرفش نکنند! یا در مراسم خواستگاری برای شناخت طرفین، دو خانواده به یک دور ادا بازی کنند تا با خلایق‌ها هم آشنا شوند و ببینند به درد هم می‌خورند یا نه! یا در کارگزینی‌ها قبل از استخدام نیرو، از متقاضیان بخواهند یک دور ادا بازی در برپاوند تا معلوم شود اهل کار هستند یا ادا کی کار کردن درمی‌آورند! این هم از مزایای ادا بازی، فقط کاش کار به ادا و اطوار و ادا اصول نکشد! علیرضا کاردار

باورش‌سخته



ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

\* آق‌کمال: ۹۰ کرم، ۱۰ کرم، ۱۱ کرم، ۱۲ کرم و ۱۳ کرم ... ۹۹۹ کرم و ۱۰۰۰ کرم!  
\* مهره‌یکتا ناصر رو به اشتباه ۵ سکه بهار آزاری عنوان کردی!  
\* آزاری واحد جدید و درستی و سه شمارش سکه‌های مهریه!  
\* ما و شما: سلام دوست عزیز منظور سکه بهار آزادی بوده و به خاطر غلط املائی عذر خواهیم.  
\* صفحه اول زندگی سلام تون اصلا جذاب نبود. فقط ستون سمت چپ رو خوندم.  
\* واقعا این نویسنده طنز روزنامه‌تون آقای علیرضا کاردار خیلی جالبه، بدون کوچک‌ترین بی‌احترامی فقط با نقد رفتارها و گفتارهای اجتماع به صورت طنز، کلی ما رو می‌خندونه. باید به خلیلیا گفت: یاد بگیر دی طنز یعنی این.  
\* سلام داستانی که گوسفند برای دشمنش عقاب دعا می‌کرد خیلی دلم برای بره سوخت چون در واقع مادرش برای نابودی بچه‌اش دعا کرد.  
\* سلام از این کار بسیار زیبا و خداپسندانه هموطن عزیز می‌که به خاطر کوتاهی‌ها اجاره دادن تابلو گذشته خیلی سپاسگزاریم در این زمانه بیرحم باعث شادیمون شد.  
\* این درست که جلوگیری از خمیازه کشیدن مضرت ولی این که بعضی افراد هم هنگام «خمیازه» دهانشان را مثل بعضی موجودات بازی کنند زبینه نیست.  
\* پسر گلم سعید جان ۲۵ شهریور سالروز تولدت را تبریک میگم و بهترین‌ها را برایت آرزو دارم.

از طرف مادر